

حقیقت

۱۳۵۸ مهر ۱۱

شماره ۳۹

... کرجی بیانی یکی از عناصر فعال منظمین کرمانشاه بود ساعت ۱۱ شب از خانه‌اش بیرون می‌گشت و ساعت ۲ صبح او را اعدام می‌نمایند. ۹ نفر از فعالین اتحادیه دهقانی مریوان و شیرمزیوان را دستگیر و بر اساس محاکمات یکساعته محکوم به اعدام می‌نمایند، دو نفر از این افراد را دست و پا بسته به دست‌چند نفر از عناصر فاشیست محلی می‌سازند و این عناصر با چاقو، دیگر آلات قتاله بنابر آنکه جنم آیند و انقلابی را از گاسه خارج می‌کنند، دست و پای آنها را قطع کرده و بالاخره سزار بدنشان جدا می‌کنند... در سفر حتی یک نفر از اعدام شدگان نیز نجات پیدا کرده است و دوبرادر که یکی در خانیکه برادر مجروح خویش را حمل می‌کرده نیربازان شده و هر دوبرادر در چنین وضعیت فجیعی بدرجه شهادت رسیده‌اند... خلغالی جانی در جواب اعتراض مردم در مورد کشتار ریگان هان، تنگه کلانش این بود که "اگر اعدام شدگان کبک را ساسد گدسراسان ایست و در خورسکه سبکاه ساسد به سبست خواهد رفت."

... در حساسترین زمان، در زمانی که شرایط برای بوجود آمدن یک جنبش دهقانی در منطقه دیواندره سزکا ملا آماده گردیده بود و خانهای مرتجع متحمل نکتیهای سنگینی شده بودند سیاه پاسداران و ارتش بیاری ارتجاع ستافت و نه تنها انقلاب باز بیرونی خود باز ایستاد بلکه با انحلال و نابودی اتحادیه‌های دهقانی و اعدام و تنقیب عناصر فعال این اتحادیه‌ها بنا بر بودی دستا وردهای انقلاب پرداخت.

... آزادیخواهان و نیروهای مومن به انقلاب ایران، اگر واقعا به اهل شورایی بایستند، باید از شوراهای موجود دهقانی و کستورشی آنها به دهکات سراسر کستور دفاع کنند و کردار خدا نقلابی و نوظنه کرانه زما مداران و در بیابانیش آنها گروه استبداد طلب و مشروعه جی حاکم را در راه نابودی این توراها انشاء و محکوم سازند.

... توراها ی شیرسانی... باید شوراهای نمایندگان طبقات و قشرهای مختلف شهرستان، یعنی کارگران صایع، رحمتکشان حرف، دهقاچان، بیگه وران و دکاتداران، سربازان و ارتشیان، کارمندان، بازرگانان و صاحبکاران کوچک و متوسط باشند و هر کدام از اینان به نسبت قسمت خود در تورا یا انجمن شهرستان دارای نمایندگی باشند. این توراها نمیتواند و نباید نمایندگان طبقات ارتجعی سرمایه‌دار وابسته، ملاکان و عمال حکومتی و رژیم سابق و مانند آنها را... بخود راه دهند.

به کوری چشم مرتجعین:

گردستان میرزمد

بالاخره پس از چندین ماه تحمیل خونریزیهای متعدد، کارهای تبلیغاتی عوامفربانه و سراسر با دروغ و اعمال خدا نقلابی رنگارنگ، در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، هیات حاکمه یورش همه جانبه خویش را برای سرکوب خلق کرد آغاز کرد. در طول چندین ماه پس از قیام بیستم ماه، که ملت و منجمله خلق

کرده‌خوش با ورا نه تصور میکرد که حکومت فعلی حقوق حقه‌ها را برآورد خواهد کرد، نیروهای مشروعه جی و لیبرالهای در قدرت بهرحیل و وسیله‌ای متشبث گردیدند تا حقوق خلق کردار، که در عمل بنما به برجمندار ادا نماد انقلاب دموکراتیک و فدا میرزمد بالیستی خلقیای ایران در آمده بود پایمال کرده و این آتش فروزان انقلاب را خاموش سازند.

نوظنه‌ها از همان فردای انقلاب آغاز زکشت، جنگهای تحمیلی در گوشه و کنار گردستان سراسر انداخته می‌شود تا تسلط ارتش، کمیته‌های اسلامی، زاندار مری و سایر پاسداران را توجیه کنند. سندنج، نقده، مریوان و... یکی پس از دیگری بدست نیروهای در قدرت و با دستکاری مرتجعین محلی بگام جنگ و خونریزی فرو می‌روند. "قیاده موقت"، این دارو دستنه

بالاخره پس از چندین ماه تحمیل خونریزیهای متعدد، کارهای تبلیغاتی عوامفربانه و سراسر با دروغ و اعمال خدا نقلابی رنگارنگ، در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، هیات حاکمه یورش همه جانبه خویش را برای سرکوب خلق کرد آغاز کرد. در طول چندین ماه پس از قیام بیستم ماه، که ملت و منجمله خلق

شورا: کانون اعمال حاکمیت طبقات انقلابی

کمونستهای امروز همگام میگه از شوراها صحبت میکنند در درجه اول و قبل از هر چیز منظورشان شوراها یا بنده در صفحه ۲

درگذشت شادروان آیت الله طالقانی جرقهای شدکده بسیار آتش اشتیاق مردم را برای تشکیل شوراها روشن ساخت. آخرین و مهمترین وصیت طالقانی اشاره اولیه ضرورت تشکیل شوراها بعنوان شکل مناسب شرکت هالی در تعیین سرنوشت خود و مابقی در برابر برتضامات استبدادی و دیوانسالاری در دستگاه دولتی بود. امروز نیروهای دمکراتیک کشور هر کدا ما تعبیر خاص خود وجود دارد معنی که در مورد وظایف شورا و نحوه تشکیل آن قائل اند از اندیشه کلی شورا دفاع میکنند، حتی دسته‌های لیبرال بورژوازی ملی نیز که نگران تمامایلات استبداد دمنشانه گروهی از روحانیون و شخص خمینی هستند قسما و باالفاظ هم گفته‌اند با این اندیشه توافق کلی نشان میدهند.

... "ولایت فقیه" هم شرفی است و هم غریب، منتهی منحنی ترین تبلورات حکومتی استبدادی کلیسا در غرب و شرقه های مذهبی در شرق.

... روحانیون در کارخانه‌ها استعمار می‌نمایند، آنها در روستاها بیکاری نمی‌کنند، آنها نیستند که جرقه‌های تولید و حیات کشور را با خون و عرقشان می‌چرخانند. حکومت‌ها از آن کسی است که بیست از همه باران انقلاب و کشور را بر دوش می‌کند و این کسی زحمتکشان اندو آنها لایق تر از هر فقیه و مجتهدی هستند.

"ولایت فقیه" یا خلافت بورژوا - فئودالها

لایسم همروال میسازد و راه را برای با زکشت دیکتاتور می‌کشد. "ولایت فقیه" شکل مذهبی همان حکومت استبدادی و سلطنتی است که پیش از هر کس با با طبع زمین داران بزرگ و همدستان آنهاست در بنده در صفحه ۳

۵۲ رای از این مجلس گذشت. گروه مشروعه جی زیر لواء "شرع" و "حکومت شرع" همه چیز و همه کس را تابع منافع قشری خود می‌نمایند و صرفاً جگام می‌گردانند و در راهی گام نهاده‌کوی را با ارتجاع و امیریا

رایگی پس از دیگری برپا میدهند. اولین "دستاورد" این مجلس، که راه را برای قدم‌های بعدی جهت از میان برداشتن کامل دموکراسی هموار می‌سازد، تصویب اصل "ولایت فقیه" است که جندی بیش با اکثریت

"مجلس خبرگان" طبعی غم‌کنش. کش‌های موجود در درون آن، که استعکاسی از جدال میان جریان‌های بورژوازی ملی و لیبرال و کستور انحصار طلب مشروعه جی است، در انحصار این دومی بوده و گام به گام یک مسیر قهرانی و بدفرجامی را می‌پیماید و همه دستاوردهای نهضت

حقیقت

شورا ...

انجمنهای دمکراتیک استانی، شهرستانی و انجمن انقلابی دهقانان در روستاها می باشد. شورا یا انجمن کانونی برای اعمال حاکمیت مستقیم طبقات انقلابی جامعه بوده و در شرایط حاضر باید نگهبان و تکامل دهنده دستاوردهای انقلاب مردم شوراها در سطح ده، شهرستان و استان می برداریم.

شوراها روستا بیدشورا - های نمایندگان دهقانان روستا باشد و قشرهای مختلف اهالی روستا یعنی کارگران کشاورزی، برزرگان زارعان، جویان، دکانداران، اهل حرفه و صنعت و غیره را دربرگیرد و هر قشر و صنف به نسبت جمعیت خود نماینده خود را در شورای روستا داشته باشد. در شوراها فتوای آنها و زمینسازان بزرگ و ربا خواران و غیره حق شرکت نمی توانند داشته باشند و اولین وظیفه شوراها منافع مالکیت بزرگ ارضی و سنتهای نیمه فتوایلی و ربا خوری و غیره در روستا و انجام یک اطلاعات ارضی ریشه های است. هم اکنون این گونه شوراها روستائی و همچنین شوراها مرکزی مناطق دهستانی، که شوراها دهات مختلف یک منطقه دهستانی (مثلا یک بخش) را دربرمیگیرد، دربرخشی از روستاها و مناطق روستائی کشور، مانند برخی مناطق شمالی، ترکمن صحرا و غیره، در نتیجه اقدام خود انگیخته دهقانان و جنبش انقلابی آنان علیه مالکان، ربا خواران، عمال رژیم سابق و غیره تشکیل شده است. همین وضع در کردستان نیز موجود بود و جریان تشکیل شوراها در دهقانی و اتحادیه های دربرگیرنده شوراها مناطق مختلف روستائی با سرعت و وسعت بیش میرفت، ولی این شوراها و اتحادیه ها هم اکنون بدست مهاجمان دولت مرکزی با دستور خمینی ویا هم راه دستجات فتوایلی و وابسته به بیگانگان در کردستان سرکوب شده و رهبران این شوراها و اتحادیه ها بعضاً کشته و بعضاً متواری گشتند.

دشمنی باطنی زمامداران کنونی را با اصل شورائی حاکمیت مردم و شرکت توده مردم و دیگرگون سازی و نوسازی جامعه خود، با تمام ادعاهای توخالی

و ظاهراً زیبایشان را شریکواران نشان از این اصل، از همین یک مورد مهم کردستان بخوبی میتوان اندازه گرفت.

اخیراً دولت اعلام داشت طرح خود را در مورد تشکیل شوراها در سطح شهرآغا زخواست کرد و فعلاً تا مدتی تشکیل شوراها در سطح دهات و شهرستان (یعنی شهر و دهات تا بعضاً با مشکلاتی روبرو است. البته دولت با ماهیت این مشکلات را ذکر نکرد ولی واقعیت آن چیزی که از دیدگاه زمامداران کنونی مشکلاتنا دیده شد،

برای ما روشن است، یکی از دلایل اصلی و شاید مهم دلیل اصلی مخالفت زمامداران کنونی با آغاز زکا تشکیل شوراها از سطح روستاها و یا دست کم انجام هم زمان این کار در سطح شهری و ده، مخالفت ایشان با شوراها و اتحادیه های انقلاب دهقانی موجود در برخی دهات کشور است. دولت که نماینده سرمایه داران و حامی ملاکان روستاها و ربا خواران بود این شوراها را، که از باطن و توسط خود دهقانان تشکیل شده و محصول جنبش انقلابی خودشان است، برسمیت نشناخت.

مقامات روحانی قم نیز که زمینهای زیادی بنا موقوفه بر اساس بهره کشی از دهقانان در دست دارند از شوراها و دهقانی و اصلاحات ارضی بدست آنها بیم دارند، چه موقوفات آنها را به خطر می اندازد. مقامات تهران از اصلاحات ارضی ریشه های در روستاها و مناطق دهستانی غصبی ملاکان نیمه فتوایلی و زمینداران بزرگ سرمایه داران بدست شوراها و واقعی نمایندگان دهقانان هراس دارند. آنچه زمامداران ما بعنوان مشکلات تشکیل شوراها در دهات طرح میکنند همین هاست و چیز دیگری نتوانند باشد.

آزادخواهان و نیروهای مؤمن به انقلاب ایران، اگر واقفان به اصل شورائی پای بنندند، باید از شوراها و موجود دهقانی و گسترش آنها به دهات سراسر کشور دفاع کنند و کردار و رفتار انقلابی و توطئه گرانه زمامداران و در پیشاپیش آنها گروه استبداد طلب و مشروعی حاکم را در راه نابودی این شوراها افساس و محکوم سازند. آنهائی که شوراها و اتحادیه های دهقانی را در کردستان برچینند و به کشتار دهقانان پرداختند دشمنان اصل شورائی اند و در این باره هر چه اعلام هوا داری کنند دروغ و نیرنگ است. با زورگویان و طرفداران دیکتاتور شیعی و یا بقول شادروان "لالقانی"، استبداد دزیر

برده دین "، نمیتوان پای شورا رفت. واقعیات موجود بیرونی عیار ظاهراً زیبا زمامداران کنونی را در باره شوراها، و نیز عیار مؤمن بودن ایشان را به وضوح نشان میدهد. مورد ضرورت اجرای اصل شورائی در سطح کشور، فاش میسازد و نشان میدهد که توده های مردم و بویژه کارگران و دهقانان ما باید در راه ایجاد شوراها و دمکراتیک واقعی در روستاها و شهرستانها و غیره چشم امید به سالانداشته خود مستقل اقدام کنند و با استکبار به وحدت خود به عملی ساختن این اصل برخیزند.

شوراها شهرستانی، که در طرح دولت بمنظور حذف دهقانان دهات تا بعضاً شهرها به شوراها (یعنی بدون بخشها و دهات تا بعضاً) تقلیل یافته، باید شوراها نمایندگان طبقات و قشرهای مختلف شهرستان، یعنی کارگران صنایع، زحمتکشان حرف، دهقانان، بیستوران و دکانداران، سربازان و ارتشیان، کارمندان، بازرگانان و صاحب کاران کوچک و متوسط باشند و هر کدام از ایشان به نسبت جمعیت خود در شورا یا انجمن شهرستان دارای نماینده باشند. روشن است این شوراها نمی توانند نماینده مالکین طبقات ارتجاعی سرمایه داران باشند، ملاکان و عمال حکومتی رژیم سابق و مانند آنها را، که دشمنان انقلاب ما هستند و با بدست توده مردم از حیات اقتصادی و سیاسی جامعه سرنگون و حذف شوند، بخود راه دهند. شوراها شهرستان و طبقه دارانند بر اساس اصول دمکراتیک و ضامن برابری استی انقلابیان به اصلاحات انقلابی دست زده و بعنوان کانونی برای نگهبانی و تکامل دستاوردهای انقلاب عمل کنند. با تشکیل این شوراها، کمیته های معروف به "مام" یا "انقلاب اسلامی" نیز باید برچیده شده و وظایف آنها را و موروثی مربوط به آنها بدست این شوراها، که برگزیده مردم هستند، سپرده شود. این کمیته ها که از بالا درست شده و در رهبری آنها افراد نامالح و گاه یکسر مترجم و ضد توده ای قرار گرفتند، مدتهاست از مسیر انقلاب و مردم پاک منحرف شده و به مانعی در برابر انقلاب تبدیل شده اند.

شوراها استانی، که در مراکز استانها تشکیل میشوند، در واقع شوراها نمایندگان اهالی استان هستند و باید رای اختیارات وسیعی در چهار چوب یک نظام مبتنی بر مرکزیت دمکراتیک برای اداره امور استان باشند. شوراها یا انجمنهای نمایندگان خلق در استان، در مناطق

ملیت نشین، یعنی در مناطقی که اکثریت اهالی آنها با مردم کرد، بلوچ و غیره بوده و در واقع این مناطق باید بعنوان واحدهای کامل استانی نگریسته شوند، نقش مجالس ملی آن مناطق را ایفاء کرده و متناسب با اقیانوس این نقش باید دارای اختیارات مربوط به امور واحد ملیتی خود باشند. بعبارة دیگر در این مناطق، انجمنهای خود مختاری ملی، که تمام منطقه مسکونی خلقهای ملیتهای مختلف را بصورت یک واحد استانی کامل در می آورد، نقش شوراها یا انجمنهای استانی را نیز در ارتباط با حکومت مرکزی و مجلس شورای سراسر کشور ایفاء میکنند.

اما من اجرای توفیق مردم ایران در بیا ده کردن اصل شورائی در کشور تا دهه آزا دیخواهان و نیروهای وفاقا ربا انقلاب می باشد. به محافل و گروههایی که امروز در برده دین و شریعت سودای تحمیل یک دستگاه استبدادی جدید را در سر می بروراند و چنانکه رویدادهای شوم کردستان نشان میدهد با دودسته های ارتشی علیه توده حق طلب مردم توطئه میکنند و کشتارهای می اندازند و بی پرده به جعل اخبار، نیرنگ و دوزخ برمی خیزند، هیچ اعتمادی نیست. نمونه کرد را این محافل دوزخ گویند و نیرنگ با ز قدرت طلب همین مجلس خبرگان گذاشتی است که با نمایندگان خود که اغلب جعلی بوده و تنها یک تشریف معین روحانی و مشتی ملاک سرمایه داران نمایندگی میکنند به تصویب قوانینی برای حذف کردن انقلاب ایران و نابودی دستاوردهای آن و با یه ریزی یک دستگاه استبدادی در برده دین و مذهب مشغول است. همین نمونه بحداقانی نقاب از چهره ایست هواداران دروغین اصل شورائی و سیردن امور مردم بدست مردم برمی - دارد. اجرای موفقتان اصل شورائی در ایران بدون مبارزه با این نیرنگ بازان جاه طلب، که اعتقادات مذمومی مردم را برای رسیدن به کرسی و مقام و ثروت به بازی گرفته اند، غیر ممکن است. اصل شورائی حکومت مردم با گوش منتهی مشروعی برای بی محتوا ساختن و نابود کردن تئید رژیم جمهوری در ایران و احیاء سلطنت سرتگون شده در شکل شرعی خود، از ریشه شناختن دار و میارزه برای یکی به میارزه علیه دیگری وابسته است.

شوراها استانی، که در مراکز استانها تشکیل میشوند، در واقع شوراها نمایندگان اهالی استان هستند و باید رای اختیارات وسیعی در چهار چوب یک نظام مبتنی بر مرکزیت دمکراتیک برای اداره امور استان باشند. شوراها یا انجمنهای نمایندگان خلق در استان، در مناطق

ملیت نشین، یعنی در مناطقی که اکثریت اهالی آنها با مردم کرد، بلوچ و غیره بوده و در واقع این مناطق باید بعنوان واحدهای کامل استانی نگریسته شوند، نقش مجالس ملی آن مناطق را ایفاء کرده و متناسب با اقیانوس این نقش باید دارای اختیارات مربوط به امور واحد ملیتی خود باشند. بعبارة دیگر در این مناطق، انجمنهای خود مختاری ملی، که تمام منطقه مسکونی خلقهای ملیتهای مختلف را بصورت یک واحد استانی کامل در می آورد، نقش شوراها یا انجمنهای استانی را نیز در ارتباط با حکومت مرکزی و مجلس شورای سراسر کشور ایفاء میکنند.

اما من اجرای توفیق مردم ایران در بیا ده کردن اصل شورائی در کشور تا دهه آزا دیخواهان و نیروهای وفاقا ربا انقلاب می باشد. به محافل و گروههایی که امروز در برده دین و شریعت سودای تحمیل یک دستگاه استبدادی جدید را در سر می بروراند و چنانکه رویدادهای شوم کردستان نشان میدهد با دودسته های ارتشی علیه توده حق طلب مردم توطئه میکنند و کشتارهای می اندازند و بی پرده به جعل اخبار، نیرنگ و دوزخ برمی خیزند، هیچ اعتمادی نیست. نمونه کرد را این محافل دوزخ گویند و نیرنگ با ز قدرت طلب همین مجلس خبرگان گذاشتی است که با نمایندگان خود که اغلب جعلی بوده و تنها یک تشریف معین روحانی و مشتی ملاک سرمایه داران نمایندگی میکنند به تصویب قوانینی برای حذف کردن انقلاب ایران و نابودی دستاوردهای آن و با یه ریزی یک دستگاه استبدادی در برده دین و مذهب مشغول است. همین نمونه بحداقانی نقاب از چهره ایست هواداران دروغین اصل شورائی و سیردن امور مردم بدست مردم برمی - دارد. اجرای موفقتان اصل شورائی در ایران بدون مبارزه با این نیرنگ بازان جاه طلب، که اعتقادات مذمومی مردم را برای رسیدن به کرسی و مقام و ثروت به بازی گرفته اند، غیر ممکن است. اصل شورائی حکومت مردم با گوش منتهی مشروعی برای بی محتوا ساختن و نابود کردن تئید رژیم جمهوری در ایران و احیاء سلطنت سرتگون شده در شکل شرعی خود، از ریشه شناختن دار و میارزه برای یکی به میارزه علیه دیگری وابسته است.

شوراها استانی، که در مراکز استانها تشکیل میشوند، در واقع شوراها نمایندگان اهالی استان هستند و باید رای اختیارات وسیعی در چهار چوب یک نظام مبتنی بر مرکزیت دمکراتیک برای اداره امور استان باشند. شوراها یا انجمنهای نمایندگان خلق در استان، در مناطق

ملیت نشین، یعنی در مناطقی که اکثریت اهالی آنها با مردم کرد، بلوچ و غیره بوده و در واقع این مناطق باید بعنوان واحدهای کامل استانی نگریسته شوند، نقش مجالس ملی آن مناطق را ایفاء کرده و متناسب با اقیانوس این نقش باید دارای اختیارات مربوط به امور واحد ملیتی خود باشند. بعبارة دیگر در این مناطق، انجمنهای خود مختاری ملی، که تمام منطقه مسکونی خلقهای ملیتهای مختلف را بصورت یک واحد استانی کامل در می آورد، نقش شوراها یا انجمنهای استانی را نیز در ارتباط با حکومت مرکزی و مجلس شورای سراسر کشور ایفاء میکنند.

اما من اجرای توفیق مردم ایران در بیا ده کردن اصل شورائی در کشور تا دهه آزا دیخواهان و نیروهای وفاقا ربا انقلاب می باشد. به محافل و گروههایی که امروز در برده دین و شریعت سودای تحمیل یک دستگاه استبدادی جدید را در سر می بروراند و چنانکه رویدادهای شوم کردستان نشان میدهد با دودسته های ارتشی علیه توده حق طلب مردم توطئه میکنند و کشتارهای می اندازند و بی پرده به جعل اخبار، نیرنگ و دوزخ برمی خیزند، هیچ اعتمادی نیست. نمونه کرد را این محافل دوزخ گویند و نیرنگ با ز قدرت طلب همین مجلس خبرگان گذاشتی است که با نمایندگان خود که اغلب جعلی بوده و تنها یک تشریف معین روحانی و مشتی ملاک سرمایه داران نمایندگی میکنند به تصویب قوانینی برای حذف کردن انقلاب ایران و نابودی دستاوردهای آن و با یه ریزی یک دستگاه استبدادی در برده دین و مذهب مشغول است. همین نمونه بحداقانی نقاب از چهره ایست هواداران دروغین اصل شورائی و سیردن امور مردم بدست مردم برمی - دارد. اجرای موفقتان اصل شورائی در ایران بدون مبارزه با این نیرنگ بازان جاه طلب، که اعتقادات مذمومی مردم را برای رسیدن به کرسی و مقام و ثروت به بازی گرفته اند، غیر ممکن است. اصل شورائی حکومت مردم با گوش منتهی مشروعی برای بی محتوا ساختن و نابود کردن تئید رژیم جمهوری در ایران و احیاء سلطنت سرتگون شده در شکل شرعی خود، از ریشه شناختن دار و میارزه برای یکی به میارزه علیه دیگری وابسته است.

شوراها استانی، که در مراکز استانها تشکیل میشوند، در واقع شوراها نمایندگان اهالی استان هستند و باید رای اختیارات وسیعی در چهار چوب یک نظام مبتنی بر مرکزیت دمکراتیک برای اداره امور استان باشند. شوراها یا انجمنهای نمایندگان خلق در استان، در مناطق

حقیقت

کردستان میبرد

فعالیت با شرفهای تاریخ در کردستان در شهرها و روستاها منتشر شده و کردستان یکبارجه معترض به چنین حمله ارتجاعی و وحشیانه است که ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ شاهد اعلام آن بود. دارودسته انحطاط طلب مشروعه جی جهت جلوگیری از آگاه شدن شما توده های مردم از واقعیات و جهت عدم انتشار نظریات مخالفین، اقدام به تعطیل نشریه آبنندگان و دیگر نشریات مترقی نمود و همچنین سازمانها و دستجات سیاسی مترقی را غیر قانونی اعلام نمود و با منع تجمعات و دیگر قوانین ضد دموکراتیک عملاً حکومت نظامی اعلام کرد. در زمانیکه مردم کردستان خود را در مقابل یورش فاشیستی پاسداران و ارتش میدیدند کارگران، روشنفکران، کارمندان، بازاریان و کسبه و حتی روحانیون مترقی ایران نیز خود را تحت فشار منگنه استبداد این دارودسته ارتجاعی یافته و به حق نسبت به آن اعتراض می نمودند.

پاسداران و ارتش بر شهرهای کردستان با هزار توطئه و کلک مسلط گردیدند. تعداد وسیعی از انقلابیون کارگران و دهقانان آگاه را در بیسی- دادگاه های اسلامی یکساعت محاکمه نموده اعدام کردند. تاکنون رفقای مبارز و سلحشور بسیاری را از کرامت شاه روانسر، یاهو، مریوان، سنندج، سقز، بوکان، مهاباد، سردشت و پیرانشهر در این بیدادگاه های فاشیستی محاکمه و اعدام نموده اند. خلخال هم جا بدون در دست داشتن یک تحقیق و بررسی دست به جنایاتی زده است که تاریخ نظیر آنرا کم دیده است. خلخال که روزی با بدقصا خون اینهمه انقلابی را بسپاردهد، در اکثر موارد دستور دستگیری فعالین جنبش را که از طرف جاسوسان، ساواکیها و خود فروشان محلی قبلاً تهیه شده بود، میداد و در قتلها یا دواست پس از دستگیری این افراد را تیرباران و یا به وضع فجیعی به درجه شهادت می رساند. گرجی بیانی یکی از عناصر فعال معلمین کرمانشاه بود، ساعت ۱۱ شب از خانه اش بیرون می گشتند و ساعت ۲ صبح او را اعدام مینمایند. ۹ نفر از فعالین اتحادیه دهقانان مریوان و شهر مریوان را دستگیر و پس از محاکمات یکساعت محکوم به اعدام مینمایند، دو

نفر از این افراد را دست و پا بسته به دست چند نفر از عناصر فاشیست مجلسی میسپارند و این عناصر صربا جا قوود دیگر آلات قتال له بین از آنکه چشم بینند و انقلابی را از گاسه خارج میکنند دست و پای آنها را قطع کرده و با لایحه سراز بدنشان جدا میکنند و اجساد ایندومیز انقلابی را در چنین وضعی به خانه نوادگان تحویل میدهند. در سقز حتی یک نفر از اعدام شدگان نیز سرجه ۱۲ ساله است و دو سورا در که یکی در خالیگه برادر مرحورج خویش را حمل میکرده تیرباران شده و هر دو سورا در در چنین وضعیت فجیعی به درجه شهادت رسیده اند. در سقز ارتجاع مشروعه جی ۹ نفر از ارتشیان مبارز، منجمه رئیس یاسگان سقز را به همراه ۲۲ نفر دیگر که جنبه بازاری و کاسیکار نیز در میان آنها ن دیده میشدند اعدام نمود و با لایحه کارجات و شقاوت را بجائی رساندند که همه مردم کردستان یکبارجه علیه این دارودسته حاکم اعتراض نمودند. خلخال جی جانی در جواب اعتراض مردم در مورد کشتار بیگناها، تکیه کلامش این بود که " اگر اعدام شدگان گند کارها شد که سزایشان اینست و در صورتیکه بیگناها باشند بهیچت خواهند رفت."

در شهرهای که ارتش و سپاه پاسداران اداره آموزش را بدست گرفته اند ساواکیها، خود فروشان محلی (جاشها)، خانها و متنفذین شریرو با راه زلاک خود بیرون آمده و عرض اندام میکنند. در شهرهای یاهو، روانسر، سنندج، مریوان، کامیاران، بانه، سقز، نقده، بوکان، مهاباد، سردشت، وغیره جمعیت های دفاع از انقلاب و منافع خلق کرد که جمعیت های گام مترقی و میهنی بودند منحل گردیده فعالین و اعضاء آنها تحت تعقیب قرار گرفته اند. اما از آنجا که ارتجاع از خشم و نفرت خلق کسره نسبت به خویش آگاه است، جاشها در تمام موارد صراحتاً به خانه های فعالین جهت دستگیری آنها، نقاب به چهره زده و جرئت ندارد که آشکارا عرض اندام کنند. چون به خوبی میدانند که در صورت شناسایی مورد حمله قرار خواهند گرفت. علاوه بر انحلال جمعیتها که بخشی از نیروی سیاسی مترقی شهرها بودند اارودسته حاکم دست به انحلال شوراهای شهرها زد که در میان آنها بجز سورا ای شهرها با دکتهما تحت نفوذ حزب دمکرات بود، بقیه تا اندازه ای مترقی و مردمی بود. مخصوصاً سورا ای شهر سنندج که شماره یک دوره مبارزات طولانی علیه دارودسته مفتیزاده و شهادت بیش از سیصد نفر

از بهترین فرزندان کردستان در جریان مبارزات ۲۹ اسفند ۵۷ سنج بود، که همزمان با نیمچه کودتای که در شهر سنندج صورت گرفت و شهر به دست افراد مزدور و فتنی زاده افتاد، منحل گردید. عملاً نشان داده شد که تمام قول و قرارهای آیت اله خمینی در مورد شوراها پیش ازین نداشتند و نادر وجهت کارنا بودی نیادهای دموکراتیک و برپاگشتن بساط دارو الخلافه ای استبدادی است و نه چیز دیگر.

علاوه بر این کار در تمام شهرهای کاسه پاسداران استبداد ارتش وارد شده اند بلافاصله اقدام به تعطیل و بستن درسندیکا های کارگری و کارگران بیکار رنموده و عناصر فعال این سندیکاها را دستگیر و یا تحت تعقیب قرار داده اند. سرمایه داران از زمان ورود این سپاه مچم طرفدار خویش، قدرت بیشتری یافته و بیشتر احساس میکنند و در نتیجه استثمار کارگران ستم دیده و آگاه را تشدید کرده و به اذیت و آزار عناصر فعال میپردازند. اینست نمونه دیگری از زه آورده های سپاه پاسداریه کردستان.

در شهرها و روستاها نیز یورش وسیعی علیه اتحادیه های دهقانی کردستان آغاز گردیده و تاکنون رژیم حاکم اتحادیه های دهقانی منطبقه مریوان و اورامانات و اتحادیه های دهقانی منطقه سقز را منحل نموده بیسی زده نفر از فعالین این اتحادیه های دهقانی را اعدام یا شهید نموده، خانه های چندین نفر از دهقانان بیشتر و تاراج نموده و به آتش کشیده اند. اتحادیه های دهقانی که از تجمع چندین شورای دهقانی تشکیل گردیده بود و بوقول فتوای الهی مرتجع منطبق مختلف " موی دماغ " آنها شده بودند و نیکی داشتند با رحمت از گلی این مرتجعین یا شین برود، به خواست همین فتوای الهی مرتجع تعطیل گردید و بدینصورت خیال آنها شیکه از قدرت یابی دهقانان و خویش نیشان ستم دیده در اطراب بودند آرامش یافت. خانهای مرتجعی که روزی دست بدمان " قیاده موقتیها " شده بودند وزیر رهبری آنها " شورا های عسائی " تشکیل میدادند تا بلکه بتوانند جلوی رشد مبارزات خلق طلبانه دهقانان را بگیرند از اینکه سپاه پاسداران و ارتش اسلامی به کمک آنها شتافته بود در پوست نمیکنجیدند و در همه جا اغلب در لباس های نوئی که به من کرده بودند برای دهقانان پیشرو خط و نشان می کشیدند و شعارهای ارتجاعی

عی سر میدادند. در این دو منطبقه یعنی مناطق مریوان و سقز که اتحادیه های دهقانی به نیروئی جدی مسلط شده بودند، جاشها در خالیگه نقاب به صورتشان زده اند، بخانه فعالین اتحادیه های دهقانی ریخته به اذیت خا نواده آنها پرداخته و در چند مورد پس از غارت اسباب و اثاثیه خانه های این دهقانان را به آتش کشیده اند. سپاه پاسداران و ارتش اسلامی علیرغم ادعاهای دروغین شان مبنی بر دفاع از منافع مستضعفین، هر کجا که قدم گذارند به پشتیانی از مرتجعین و عناصر مریت و خود فروش پرداختند یکی دیگر از نمونه های با رز انیشتی با نی سپاه پاسداران است از خانی مرتجع منطقه پیرانشاه. در جنگی که بین اتحادیه دهقانی منطقه سقز و خانهای مرتجع منطقه پیرانشاه و دیواندره در منطقه کرامتور در گرفته بود، نیروهای انقلابی پس از اذیت سدهید و ۱۱ نفر دستگیری توانستند با لایحه شش تن از خانهای مرتجع، منجمه علی اشرف خان، راکشده و اصولا نیروهای مچم خانهای مرتجع و مزدوران را به عقب نشینی و اذیت سازند. اما در خالیگه این مرتجعین در حال فرار بودند و نیروهای پاسداران وارد مچم گردیدند و با در اختیار داشتن کلیه امکانات هوائی و زمینی جنگی در کنار فتوای الهی مرتجع قرار گرفتند و از آنها پشتیانی نمودند. و کار بجائی رسید که دهقانان و نیروهای انقلابی راهی بجز عقب نشینی در مقابل خویش نیافتند. در این جنگ حدود ۴ تا ۵ نفر از پاسداران اسیر شدند. این پاسداران اکثر از زحمتگنان بودند و فریب عوام فریبی های دارودسته مرتجع مشروعه طلب که خواستار بازگشت ارتجاع در بیوش اسلامی هستند، را خورده بودند. اکثر اقرار می نمودند که قبل از حرکت از تکاب به آنها گفته شده بود که آنها به پشتیانی از دهقانان نی که مورد یورش فتوای الهی قرار گرفته اند نخواهند رفت ولی عملاً آنها را به پشتیانی از خانهای مرتجعی نظیر فیروز خان برده بودند. وقتی این پاسداران اسیرا واقعیات آگاه میشدند می گریستند و میگفتند که " ما را کول زده اند." به این صورت بود که در حاس ترین زمان، در زمانی که شرابط برای بوجود آمدن یک جنبش دهقانی در منطقه دیواندره سقز کاملاً آماده گردیده بود و خانهای مرتجع متحمل شکست های سنگینی شده بودند سپاه پاسداران و ارتش بیاری ارتجاع شتافت و نه

حقیقت

کرده‌ستان میرسد

تنها انقلاب را از پیشروی خودساز دانت بلکه ، با انحلال و نابودی اتحادیه‌های دهقانی و عوام‌تفتیب عناصر فعال این اتحادیه‌ها بنا بودی دستاورد های انقلاب برداخت . حال برکا رگران ، دهقانان و دیگر توده‌های مردم سا برنقاط ایران است تا قفاوت کنند که این سپاه واقعا با ساران انقلاب هستند یا ساران ارتجاع و فساد انقلاب ، که دهقانان ستم‌دیده و زجر کشیده ، انقلابی هستند یا خدا انقلاب .

پس از چند ماه تدارک بینانی برای سرکوب انقلاب در کردهستان ، با لایحه زمان فرا میرسد . آیندگان و دیگر تشریفات تعطیل میگردد ، سبکها ، سازمانها و احزاب منحل اعلام گردیده و پس از بزرگاری دوتظاهرات وحدت و قدس حمله به کردهستان آغاز میگردد و کاری که قرار بود پس از پایان کار مجلس خبرگان صورت گیرد به جلو انداخته میشود . آیت‌الله عینی ریاست کل ارتش را بعهده میگیرد و فرمان فدا انقلابی خود را جهت حمله به کردهستان صادر مینماید . تحت تاثیر عوام مغربسی های دارودسته مشروعه طلب و اینگونه ایران از جانب امپریالیسم و صهیونیسم و مشخصا از جانب پالیسیان در خطر است جوانان ما را به لیبس یا ساران ارتجاع درمی آورند و راهی کردهستان مینمایند ، اما برای سرکوب انقلاب و نه سرکوب امپریالیسم ، صهیونیسم و پالیسیان و قیاده موقت . خلق کرده دفاع از خود میبردند و دیوانه‌نار خون بهترین فرزندان خود با نثار خون کارگران دهقانان ، روشنفکران ، کسبه ، ارتشیان انقلابی و انقلابیون راستین نظیر رفیق فواد مطلق سلطانی در مقابل این یورش ارتجاعی دفاعی - بردارند . خلق سراپا خشم و نفرت علیه دستگا هشتیبان ارتجاع و فساد انقلاب میگردد و خون شهدا و توهین دارودسته ارتجاعی مشروعه طلب نسبت به مقدساتشان و رهبر مذهبی و شخصیت برجسته سیاسی شان شیخ عزالدین حسینی ، عزمان را ساختار مینمایند و آنچه شایسته یک خلق مبارز و پیشروست صورت میگیرد ، کردهستان از جنوبی ترین نقطه تا شمالی ترین نقطه اش از شرق تا غربش مبدل به میدان مبارزه

میگردد . مبارزه‌ای علیه دارودسته ارتجاعی که هدفش چیزی جز نابودی دستاورد های انقلابی که بیش از ۶۰ هزار شهید داد ، نیست . مبارزه‌ای برای جلوگیری از استیلا کامل مهابت فساد انقلابی بر کردهستان و سر تا سر ایران .

حال که مختصری درباره آنچه اخیرا در کردهستان اتفاق افتاده گفتم لازمست ببینیم که اصولا سیاست هیئت حاکمه در مورد کردهستان چه بوده و اصولا آیا در این سیاست تغییری پیدا کرده یا نه ؟

هیئت حاکمه از همان ابتدا از سیاست سرکوب انقلاب در کردهستان بعنوان بخش مهمی از برنامه سرکوب انقلاب سر تا سر ایران پیروی میکرده است . هدیه‌ای که هیئت حاکمه سبب عید در جریان جنگ سنجج به مردم کردهستان داد و وقتایی که بعدا در بقیه و دیگر شهرها اتفاق افتاد گویای آن است که دارودسته مشروعه طلب از همان ابتدا در مدد توطئه جینی و نقشه کشی علیه خلق گردیده است .

در دوره اول ، هیئت حاکمه سعی در این داشت که به ارتش و نیروهای مبارز دولتی یک نقش درجه دوم و با مصالح حافظ امنیت بدهد . ابتدا قرار بود اساسا از تشکیلات قیاده موقت که اکنون دیگر وابستگی اش به ارتش یا لیبس آمریکا و صهیونیسم زبان زهر پیرو جونی است و تشکیلاتی ارتجاعی فئودالی " اتحادیه های عثاییسری اسلامی " بعنوان جماعتی برای سرکوب جنبش خلق در شهرها و روستاها استفاده میشود . افراد مزدور و شورور قیاده موقت نظیرا در پس و مسعود با رزانی مرتب با مقامات بسالای دولتی و عوام شورورای انقلابی در تماس بودند و کارها را از جانب آنها پیش میبردند . در ابتدای کار تشکیلات قیاده موقت که با هزارا رویک بند به سازمان جاسوسی سیا ، ساواک و میواد اسرائیل مربوط بود تقویت میگردد و دست آنها برای سرکوب انقلابیون و توده های مردم آگاه با زگزارده میشود اسلحه‌هایی را که شاه خائن از آنها پس گرفته بوده آنها پس میدهند و با پول آنها را سیر کرده آنها را به گردستان میفرستند . بآ اتحادیه های عثاییسری اسلامی " که توسط خائنه های مرتجع تشکیل گردیده بود اسلحه فراوان و پول ارسال میگردد . همچنین به عنوان یک برنا مهابت حزب دمکرات کردهستان که یک تشکیلات سازگارانه و وابسته به بیگانه است مذاکراتی مرتب در جریان بود تا از سازگارانی این حزب نیز برای سرکوب جنبش

انقلابی و نابودی دستاورد های انقلاب استفاده نماید .

اما این توطئه‌ها در مقابل آگاهی سیاسی و عزم خلق کرد در پیشروی انقلاب موفرا واقع نگردید . قیاده موقت و تشکیلاتهای مغرور " اتحادیه های عثاییسری اسلامی " بسرعت وسیعا افسا گردیدند و سازگارانی حزب دمکرات در مقابل دولت نتوانست تعیین کننده گرد و این بار این رهبران این حزب وابسته به بیگانه بودند که مجبور شدند برای از دست ندادن همان اعتبار مختصری که در میان توده های نا آگاه و عوام مرتزلزل داشتند برای بدست آوردن موقعیت بهتری برای سازش با هیئت حاکمه ، بدنیانه روی از توده و خشنی نمودن توطئه های هیئت حاکمه نظیر صلح کردن خائنه های برای حمله به دهقانان ، برداخت توطئه های دیگر دارودسته مشروعه طلب نظیر برگزاری کنفرانس سنجج که هدفش تضعیف موضعیت مذهبی و سیاسی شیخ عزالدین حسینی و بیشتر مشکل نمودن عناصر مرتجع تحت رهبری مفتی زاده بود ، نیز سازشکست روبرو گردید . نه تنها این توطئه های خائنه و فساد انقلابی با شکست روبرو گردید ، بلکه در کردهستان آگاهی سیاسی کارگران ، دهقانان ، روشنفکران و توده های مردم بسرعت اعتلا یافت ، اتحادیه های دهقانی ، سندیکا های کارگری و جمعیتها در شهرها بسرعت روبگسترش نیاده و مبارزات توده های خلق ارتجاع را محصور به عقب نشینی های بزرگی نموده بعنوان مثال دهقانان کرستان قدمتهای مهمی در رابطه با نابودی تسلط خائنه های مرتجع برداشته و شرایط جهت بوجود آمدن یک جنبش دهقانی از هر جهت مهابت میگردد .

در چنین شرایطی بود که توطئه‌هایی که قرار بود علیه خلق کرد کاری بیافتد ، بی مصرف از کسار در آمد و دستران در کاران دیدند که دیگر نمیتوانند با حفظ ماسک خیرخواهی و حافظ امنیت بودن جنبش خلق قهرمان کرد را سرکوب نمایند . لذا ماسک از چهره برداشتنند و با تمام نیرو و وسیله پاساران و ارتش را به کردهستان گسیل داشتند . اینبار چنین عوام فریبی نمودند که به جنگ امپریالیسم و صهیونیسم و پالیسیان میرویم ، در صورتیکه حمله شان اساسا علیه جنبش انقلابی خلق بود . و در این رابطه قیاده موقت را به " حفاظت " مرزها و داشتند .

حزب دمکرات کردهستان که از همان ابتدا سیاست دو جانه خود نمایی و سازش را پیش گرفته بود با

رشد جنبش انقلابی در مناطق وسیعی از کردهستان مثلا مریان ، سنجج و سقز یا بهای خود را اساسا از دست داد و در مناطقی بخاطر استفا ده از رواب عثاییسری - فئودالی به حفظ نفوذ خود برداخت علاوه بر اینها مکانهایی که در اشراخلع سلاح کردن بعضی با دکلنها و پاسگاهها بدست آورده بود ، به این حزب امکان داد تا بتواند توده وسیع تری را زیر پرچم سازگارانه خویش در آورد . اما قاطعیت خلق برای به دست آوردن حقوق طبقاتی و ملی خویش ، به رهبران این حزب که تا همین اواخر ، حتی پس از سقوط مهابت از فکر سازش با دارودسته مشروعه طلب بیرون نیامده بود ، اجازه نداد که موضع بیطرفانه اتخاذ کنند . حقیقت مسئله اینست که در دفاع از پاساوه ، سنجج ، سقز ، ایرانشاه و مرسیوان حزب دمکرات به هیچ وجه نقش قابل توجهی نداشته است . دفاع از شهر مهابت با دکل رهبری حزب دمکرات آنرا بهیچده گرفته بود و مرتباً به توده مردم وعده وعیدهای قلابی میداد ، منجمله غنی بلوربان که یک روز قبل از سقوط گفته بود " مهابت با دستا لیبسگرا دما ست " نشان داد که این حزب هنوز هم در زمان در فکر سازش با حکومت مرکزی بوده و بزرگ جلوه دادن حزب چیزی جز فریب توده‌ها نبوده است . ایسین مبالغه در بزرگ جلوه دادن امکانات حزب در مورد جنگ پیرا نشهر و سردشت نیز نمونه دیگری است از دروغ پردازی های این حزب سازگارانه وابسته به شوروی .

خشم و نفرت بی پایان که خلق قهرمان کرده نسبت به دارودسته حاکم احساس میکنند بی پایان است و به همین دلیل حال که نیروهای ارتش در نقاط مختلف کردهستان پراکنده و مستقر گردیده اند هر روز و هر شب در هر منطقه ، ضربه‌ای از جانب خلق بر او نواخته میگردد . دارودسته حاکم قصد دارد با گسیل پاساران و ارتش و سرکوب انقلاب با لایحه همان روابط عقب مانده قبلی را احیاء نموده ، خائنه و عوام مرتجع را بر زندگی و مال مردم مسلط گردانیده و شورا های ده را بکلی نابود و نیروهای ژاندارمری و شهربان و ارتش را علیه عوام است خلق کرد بر جان و مال و ناموس آنان مسلط بگرداند . جواب خلق قهرمان کرد در مقابل این بزمه حق کشی و زورگویی چیزی جز مبارزه نیست . شهرها و روستاهای کردهستان اجبارا وارد یک جنگ داخلی شده اند و این جنگ تا اخراج پاساران و ارتش از شهرها

حقیقت

کردستان میزبند و روستاها و ایرداختن به حفاظت از مرزها و عدم دخالت در امور داخلی، تا اخراج پاسداران از شهرها و روستا های کردستان، تا برقراری مجدد شوراها و واقعی و توده های در شهرها و دهات سپردن اداره امور شهرها و ذوات بدست این شوراها، تا زمان محاکمه و مجازات مسببین واقعی این جنگ تجار و زکرا نه و گشتا سردمداری گنا و انقلابیون راستین، و با لایحه تا گرفتن قدرت از دست این داور دسته انحارطلب و مشروعه جی و سپردن آن بدست نیروهای واقعی انقلابی و مردمی ادا می دارد.

اخیرا چند گروه و سازمان انقلابی دست به ایجاد تشکیلاتی بنام "پیشمرگه های زحمتگشان" زده اند که می کوشند با گسترش فعالیت های خود قطب کاملاً مستقلی از حزب دمکرات را ایجاد کرده و با اتحاد همه نیروهای واقعی انقلابی و خلقی در جهت آگام و متشکل نمودن و هدایت مبارزات سیاسی و مسلحانه خلق کردفعا لیت نموده و تقو دعوا مل بیگانها را از صفوف جنبش بزدا بپند و جنبش خلق کردستان را با مجموعه جنبش دموکراتیک و فدا میسر با لیبستی خلقهای ایران پیوند دهند. "پیشمرگه های زحمتگشان" از آنجا که شیکه به درستی معتقدند به خلق کرد تحت بیشترین فشار روز و روزم طلبا تی، ملی و مذهبی در مجموعه جنبش ایران هستند و لذا بیشترین جنبش توده ای در شرایط کنونی را نمایندگی میکنند از همه انقلابیون و مردم می طلبند تا حد ممکن اولاً در این مبارزات شرکت نمایند و ثانیاً در ارج از کردستان به افشاء گری دارو دسته انحارطلب و مشروعه جی و سیاستهای تهاجمی و تبلیغاتی زهر آگین آنها علیه کردستان بپردازند. جنایات و اقدامات ارتجاعی و فدا انقلابی که در کردستان صورت گرفت بیشتر از هر چیز افشاء کننده ماهیت این رژیم است که در همه جا سعی در نابودی دستا وردهای انقلاب میکنند. لذا تبلیغ مواضع انقلاب در کردستان و افشاء عملکرد ارتجاعی با اندک کم می توان ندیکگی از موضوعات اصلی افشاء گری سیاسی باشد. علاوه بر این بر اهانداختن مبارزه سیاسی کارگران، دهقانان، دانشجویان و محصلین، ارتشیان و غیره برای دفاع

از انقلاب در کردستان و افشاء سیاستها و عملکرد دولت میتوا نند در ردمبارزه خلق کردیسیا موشرا فتند. جمع آوری کمک های مالی، داروئی و تکنیکی جهت مبارزه در کردستان نیز می توانند قدم موثری با شد که گروهها و افراد متعهد میتوا نند به آن وسیله به پیشبرد جنبش کمک نما یند.

کارگر، دهقان، دانشجو و محصل، ارتشی و کسبه و بازاری و پلاخو روحانی مبارز و مترقی: دارو دسته حاکم، علیرغم تمام ادعاهایش، تهاجم وحشیانه ای را علیه خلق کردستان داد، تهاجمی که قصد و هدفش نابود نمودن دستا وردهای انقلاب بنسود، انقلابی که همه خلقهای ایران در آن شرکت داشته و با دادن بیش از شصت هزار شهید جهت بشمر رسانیدنش کوشیدند کارگران، دهقانان، دانشجویان و خلاصه همه توده های مردم ایران باید آگاه باشند و با شد که با استقرار و تسلط ارتش و پاسداران دوباره همه جا عناصر مریمت و خود فروشی از قبیل مفتی زاده ها دارو دستر کارمیانند عناصر انقلابی و مردمی کنار میروند تا مردمان، عناصر مسرا و آکی و مشکوک و خانها و سرما یه داران مرتجع بسر کار می آیند. می خواهند کاری کنند که تاریخ به عقب برگردد. شوراها ی توده های شهرنا بورد گردد، شورا های دهات و اتحادیه های دهقانان که از منافع دهقانان ستم دیده در مقابل خائنها مرتجع دفاع می نمودند نابود شود، می خواهند کاری کنند که زحمتگشایان و کوشش فراوان بدست دهقانان افتاده و دوباره به خائنها باز گردانده شود، می خواهند کاری کنند که عناصر انقلابی و مردمی دستگیر، حبس یا اعدام شده و بجای آنان عناصر خود فروش و فاسد جان نشین آنان شوند، می خواهند دوباره ژاندارمری و نظریاتی را علیرغم خواست مردم ده و شهر برپا کنند و بوسیله این تشکیلاتهای ضد خلقی دست و پای خلق قهرمان را بزرنجیر کنند، می خواهند با اعمال زور و فشا رخلق را مرعوب کنند و با توسل به دروغ ها، تنگ آوری کنند که مردم دست از پشتیبانی از رهبر مذهبی خویش آیت اله شیخ عزالدین حسینی بردارند، شخصیتی که با طرفدای مدامش از منافع زحمتگشان و آزادی طلبی اش به حق مورد احترام و ستایش تمام خلق کردوستا م نیروهای حق طلب و آزادی خواه جا معه بوده و هست.

اما خلق کرد دست از مبارزه بر نخواهد داشت و برای جلوگیری از رجعت تاریخ و نابودی دستا وردهای انقلاب مصمم است که دست از مبارزه بر ندارد و این مبارزه را که برای و تحمیل

افغانستان... و پیروزی کودتای سوسیال - فاشیسم مزدور افغانی، که نقاب سوسیالیسم و انقلابی گری بر چهره کرده خود زده و، همچنین در باره ماهیت انقلابی و سر حق نبرد مسلحانه دموکراتیک و ملی مردم افغانستان قبلا در نشریه خود ("حقیقت" - شماره ۳۲) نوشته ایم و در اینجا نیازی به تکرار نیست. اثاره این گروه ها به وجود آمده ای محافل ارتجاعی و با سازمان ها فاشی که تماس هائی با بیگانگان و حتی رژیم های ارتجاعی پاکستان و آمریکا دارند، نمیتوانند توجیهی برای مواضع فدا انقلابی و جاهلانسه این گروه ها باشد. گروه ها و محافل فاشی که به با نه وجود جریان فاشیست و ارتجاعی در نصبت مردم افغانستان ارحامیت را نصبت مردم خودداری میورزند باید بدانند که مبارزه برای طبرد عناصر و جریان فاشیست و ارتجاعی تنها و تنها برستردفاع از مبارزه به حق مردم افغانستان بر علیه رژیم وابسته به مسکواتنا تمدنی است و آنکی که چنین تکذیبی را فدا ای سنگ نظری خویش ساخته است، جنبشی و قیام حق جو با نه یک ملت با وجود این چیزها در میان آن و با حرکت های سودجویانه دولتها و قدرتها ی بزرگ، که بدستال رفایت های ارتجاعی خود هستند، حقا نیت خود را از دست نمیدهد و این مسائل مخصوص برای بسیاری

از چریکها و مجاهدان مذهبی و غیره - مذهبی افغانستانی روشن است. قضاوتی جز از این در مورد جنبش حق طلبانه مردم افغانستان، نصبت نباید روا نیست که به بسیاری از جنبش های دیگر از جمله انقلاب مشروطه خود مسا و جنبش فدا میریالیستی ملی شدن صنعت نفت ما و غیره هم میتوان زد و ناچوا نمرده انده ای هم زدند و زده اند. واقعیت اینست که گروه های یاد شده در باره ماهیت امیریا لیبست روس و عائلش در کشورهای مختلف و همچنین داستان واقعی کودتای ارتجاعی و ضد ملی سران رژیم کابیل جاهلانسه چشم فرومی بندند و هیچ منطق و احسانی در برخورد به وابستگی عمیق افغانستان به شوروی و سیاست کشتار نظامی فاشیست خلق بدست استعمارگران روس و توکرانسان در کابل و همچنین اختناق بی نظیر حاکم بر افغانستان و در مقابل نبردها دلانسه همه مردم این کشور علیه تمامی این بلاها، در سازمان نیست. در اینجا باید دیگر تا کیستد می کنیم که دفاع قاطعانه از جنبش مسلحانه مردم افغانستان بر علیه رژیم مزدور و آدمکش کابل و استعمارگران روس و طبقه نخطی نا پذیر همه نیروهای انقلابی و آزادیخواه و همه ملت ناست و ترلز در این امر تنها به ترلز در ایستادن درم اف انقلاب و آزادی ملت ها تعمیر تواند کند.

در نگین و پخش حقیقت ما را یاری دهید



شده تا پیروزی نهائی ادا می دهد. مبارزه خلق، جزء جدائی نا پذیر مبارزه همه خلقهای ایران است. ما معتقدیم که ارتجاع قصد دارد بین از کردستان بیک بیورش فدا انقلابی سرتاسری متوسل شود. ما مصممیم که ارتجاع را در کردستان مشغول نگاهداریم و نگذاریم که ضد انقلاب در این منطقه به اهداش ضد انقلابی اش نایل گردد. و در این راه تنها به نیروی همه خلقهای ایران اتکاء مینمائیم.

- پیروزی دمبارزات خلق کرد علیه تهاجمات ضد انقلابی مشروعه طلبان!

- زنده و جاوید با دنیا دشیدان به خون فخته خلق کرد!

- مستحکم تر با اتحاد مبارزه جو با نه همه خلقهای ایران

بزودی منتشر میشود
پاسخی به نبرد خلق شوروی سوسیالیستی
حربه ای علیه سوسیالیسم
و
دموکراسی ناقص دفتر چهارم

حقیقت

دولت دنبال کدام خرابکارهاست

بختیار

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

بختیار

بویارخانه‌ها و بیست و هشتاد و یک

نظر باینکه بعضی از کارمندان دولت به‌جز مردم‌آهنگ با ملت و انقلاب اسلامی، با خط مشی دولت جمهوری اسلامی به عقل و کمترین بهره‌آزندی و احساناً، مرتکب اختلاس و انقضای خدمات انقلابی و خرابکاری میگردند غیرت دارد که اولاً مراتب شدید نگار برسد و ثانیاً بدون شام و مسلسل خنک‌آب و خرابکاران را برکنار و تمت تعقیب قرار دهند.

مستور فریاد این بختیار به دست‌انمایان پایه مرکز و شایسته‌ها ایلام و نوجوان اعلام گردد.



حقیقت را داشته‌باشید و خودخواه‌ها این دولت در خیانت به انقلاب شراکت و هماهنگی کند، "تمقیه" شود اخبار حاکی از آنست که بدنبال این بختیارها در وزارت فرهنگ و سایر راه‌های ادارات دیگر لیست‌های بلندبالایی از عناصر مبارز جمع شده و میخواهند اخراج آن‌ها نمایند. بزرگترین خرابکار، همین گروه مشرعه‌جی و دولت‌دنبال‌دهی آن است که در راه ادا ممانعت خرابکاری میکنند. دولت‌بازرگان نیز با صدور چک‌های بختیارها می‌توانند کساری از پیش برد و حقیقت برده بپوشاند.

های سیاسی در کشور ما، که عده‌ای از اینان خود را مارکسیست - لنینیست و خدا میریالیست پیگیر هم‌حساب می‌آورند، آنگاه یا نا آنگاه ولی بهرحال عملاً با جانمردانه درباره حبس مسلحانه مردم افغانستان سکوت کرده و حتی گاه این جنس را بعنوان یک حرکت ارتجاعی وابسته به بیگانگان، فئودالی و غیره محکوم میکنند. برخی از اینان دهان در دهان مزدوران خائن حزب توده‌گذا رده حتی رژیم سرسپرده و فاشیستی کابل را یک رژیم مترقی خوانده و از کودتای دارودسته دربار رشتین و خائن تره‌گی - امین در افغانستان بعنوان یک کودتای مترقی و حتی یک انقلاب یاد میکنند. راستی که شرم بزرگی است برای اینان؛ و در صورت اصرار در حفظ این مواضع جاهلانه و ضد انقلابی خود تنها نفرین ملت افغانستان را متوجه خود خواهند ساخت و بعلاوه در کشور ما نیز سرانجام به مواضع ارتجاعی در غلبیده مطروود خواهند گشت. ما درباره ماهیت رژیم کابل و چگونگی تکوین بشیبه در صفحه ۶

جندی بیش آقای بازرگان طی بخشنامه‌ای از کلیه وزارتخانه‌ها و موسسات مستقل دولتی خواست تا چنانچه کسانی "بجای هماهنگی با مشی دولت جمهوری اسلامی"، "احیاء نا" مرتکب "انحراف" و "انتقادهای ضد انقلابی و خرابکاری" میگردند، بر چیره گشت و بساط آزادی و مشروطه بر چیده شد. در اینجا بود که انجمن ایالتی تبریز نقش و اهمیت تاریخی خود را نشان داد و از کارهای پیشین خود بهره‌گرفت. تبریز علیه کودتا - گران قیام کرد و بزودی انجمن تبریز با تکیه بر نیروهای مسلح خلق (مجاهدان) به کانون شورش سراسری کشور علیه دارودسته کودتای و حاکمان بیگانه آن تبدیل گشت و تا فتح تهران بدست نیروهای هوادار مشروطه رهبری انقلاب را موفقانه بدست گرفت. این انجمن ها تا سال ۱۳۹۰ که ما برای اشغال آذربایجان و تبریز توسط قشون تجار و زکا و روس و کودتای خائنانه ناصری الملک در تهران پیش آمد، همچنان برقرار بودند. از آن پس با شکست انقلاب موزون، این انجمنها نیز بر چیده شدند و هرگز دیگر تشکیل نشدند.

افغانستان ... بزعم اینان رژیم مزدور کابل که سرسپرده امپریالیسم عیسایار روس است یک رژیم کمونیستی و مارکسیستی است و اینکه گویا مردم افغانستان بر علیه کمونیست‌هاست که قیام کرده اند. در حالیکه این دروغ بزرگی بیش نیست و اگر دارودسته مزدور کابل در کابل هوادار کمونیسم است پس حتماً دستگاه معاویه و یزید هم اسلامی و هوادار همان اصولی بوده که شما خود را یابید آنها و نمود میسازید. واقعیت اینست که کمونیست‌های افغانستان هم در احوال خود در اغلب سنگرهاي سرد مسلحانه علیه رژیم مزدور کابل حی و حاضرند و دلیرانه با امپریالیسم غدار روس و نوکورش می‌نبردند. و جریکهای دلیران افغانستان برخلاف انتظار سرخ‌پوشی ناهربانان دشمن واقعی خود را نیک می‌شناسند. در اینجا اشاره‌ای به مواضع برخی جریایهای سیاسی در کشور ما که خود را انقلابی پیگیر می‌نامند می‌آورم، هم‌لازم، برخی از گروه -

نقش شورا ... داشتند، در جای خود محکم گشت و حمایت خود را در شهر اعمال کرد. بزودی انجمن ملی تبریز به الگوئی برای مردم شهرهای دیگر تبدیل شده و در آن شهرها نیز انجمنهایی از نمایندگان اهالی تشکیل شد. لیکن این انجمنها اغلب بعلمت ضعف جنبش آزادیخواهی در آن شهرها بسیار ست و کم ما به بودند و بعلمت رسوخ عناصر ارتجاع در آنها کمتر توانستند نقش مفیدی ایفاء کنند. پس از تشکیل مجلس اول مشروطه، تدوین قانون اساسی اولین کار نمایندگان این مجلس بود. لیکن چون کار این قانون پایان یافت و مفاد آن بر مردم شهرهای مختلف آشکار گشت، آزادیخواهان دیدند که بسیاری از خواستهای دموکراتیک دستاوردهای آن زمان انقلاب مشروطه در قانون اساسی تصویب شده مجلس بازتابی نیافته است. در اینجا تبریز که پیشرو شهرهای دیگر بود یکبار خواست وزیر رهبری انجمن ملی تبریز جنبش در این شهر را افتتاح. مردم تبریز خواهان اصلاح قانون اساسی شدند، که از جمله یکی از این اصلاحات همین قید و بندی درباره تشکیل انجمنهای شهری، و استانی (ولایتی و ایالتی) در قانون اساسی و تعیین ضوابط و اختیارات آن بود. تدوین و تصویب متمم قانون اساسی، که از خود قانون اساسی دارای اهمیت تاریخی بیشتری است، نتیجه این جنبش بود. متمم قانون اساسی، بندی هم در باره انجمنهای ایالتی و ولایتی، که برای آن زمان پیشرفته بود، وارد شد و پس از آن در همه جا انتخابات رسمی این انجمنها آغاز گشت. انجمنها طبق قانون دارای اختیارات معینی در اداره امور و نظارت بر دولت و دستگاههای آن بوده و بخشی از مالیات استان و غیره را نیز در اختیار آنها باید قرار میگرفت. انجمنها مشخصاً انجمن ایالتی تبریز دارای نیروی مسلح زیر رهبری خود بودند و به دادن مشق نظامی و تشکیل دسته‌های مجاهد با ری میرساندند.

ایران و سرنگونی استبداد مطلقه پهلوی با دیگر مردم ما در راه تشکیل انجمنهای شهرستانی و استانی و هم چنین انجمنهای انقلابی دهقانی گام بر میدارند. بدینسان سخت‌نژاد انقلاب مشروطه اینبار در سطحی عالیتر و با آگاهی بیشتری در انقلاب جمهوری ایران زنده میشود. اکنون لازمست با درس‌گیری از جوانب مثبت و همچنین ضعفهای انجمنهای انقلاب مشروطه بویژه انجمن تبریز را ردیگرایی تشکیل این انجمنها رفت و تکیه‌گاه استواری برای حفظ و حراست از دست آوردهای انقلاب و تضمین تداوم آن بوجود آورد. این انجمنها با نقش بزرگی را در بسیج و آماده‌گردانیدن مردم در برابر ترسناکات ارتجاعی نمود گران امپریالیسم و دارودسته قدرت طلب و ضد انقلابی علیه انقلاب تمام ما ایفاء توانند کرد. این انجمنها با تکیه بر نیروی عظیم مردم نقش با برای رادردگرسانی جامعه بی‌مظلوم ما و در بازسازی و نوسازی آن توانند ایفاء کرد. این انجمنها نیز مانند اسلاف خود تنها با تکیه بر نیروهای مسلح خلقی و تشکیل دسته‌های مجاهد زیر رهبری خود قادرند دیدن کارها را بر سر راه ضوابط اجرایی خواهند داشت.

درباره رویدادهای افغانستان

جیش مسلحانه مردم افغان -
سنان علیه رژیم سرسپرده و آدمکش
کابل و میریالیم غداره بند روس
بیروز مندا به پیش سرود غنا بهای
... پیراز کودتای خائفتند محمد علی شاه ، که یا پشت

گرمی روسیه نزاری و همدستی افسران روسی صورت گرفت ، استبداد
اد مطلقه دوباره بر سران کشور چیره گشت و بساط
آزادی و مشروطه بر چیده شد. در اینجا بود که انجمن
ایالتی تبریز نقش و اهمیت تاریخی خود را نشان
داد و از کارهای پیشین خود بیهر گرفت ، تبریز علیه
کودتاگران قیام کرد و بزودی انجمن تبریز با تکیه
بر نیروهای مسلح خلق (صاهمدان) به کانون تشریح
سرکاری کشور علیه داورود شده کودتاجی و حامیان بیکانه
آن تبدیل گشتند و با فتح تهران بدست نیروهای ۵۰۰۰۰ ار
مشروطه رهبر: انقلاب را موفقیانه بدست گرفت.

نقش سورا در انقلاب مشروطه

تشکیل سوراها یا انجمنهای
دموکراتیک نمایندگان مردم در سطح
شهرستان و استان از دستاوردهای
انقلاب مشروطه ایران و در نتیجه یک
سنت تاریخی ارجداریست. گاهی
به تجربه کار این سوراها ، که در آن
زمان انجمن نامیده می شدند ، ما را
به اهمیت آنها به عنوان ابزار مهمی
برای حراست از آزادی و دموکراسی
و مبارزه با استبداد دودسیه هسای
برنجین و عمال بیگانه در آن زمان
واقف می سازد. در زیر خلاصه ای از تاریخ
چه این انجمنها را در زمان انقلاب
مشروطه میاوریم:

از آغاز سال ۱۲۸۵ خورشیدی
جیش مشروطه خواهی در کشور ما اوج
گرفته و نخستین انقلاب ایران با
تغاریهای خدا میریالیتی وضد
استبدادی ، که مرکز آن تشکیل مجلس
نورائی از نمایندگان مردم را مطرح
می ساخت ، آغاز گشت . روز ۱۳ مرداد
۱۲۸۵ ، مظفرالدین شاه را جا و گشت
نورمان مشروطیت را اما درویا تشکیل
مجلس شورای ملی موافقت کند. این
نخستین پیروزی برای مردم بود. تا
این زمان هنوز جیش انقلابی کمال
بیش به تهران محدود شده بود و ارتجاع
قاجار را با زتاب اخبار پیروزی مردم
در شهرهای دیگر سبقت طلب می گرفت.
لیکن چندی نگذشت که جیش آزادی -
خواهی در تبریز گرفت و از آنجا
یکسریه شهرهای دیگر نیز سرایت کرد.
آزادخواهان تبریز با
وصول خبر پیروزی مردم تهران دست
از محاهدت نکشیده از میان سران
آزادی و پیشروان جیش عده ای را
برای رهبری مردم و نگهبانی برتداوم

نشیه در صفحه ۷

اعلام داشتند. لیکن هم اکنون بیش
از مدتها از برپا شدن اینها -
سناسی ، که بر اساس گسترار و
سی خانان سازی رژیم کابل هم کشور
ما بسا آورده اند ، در خراسان و مشهد
بی سوزمان رخا شده اند و دولت
ایران اقدامی در جهت تامین حداقل
وسایل زندگی و رفاهت برای ایشان
نمیکند. علاوه برخی محافل حاکم در
کشور ما ، که با آتای ابراهیم یزدی
وزیر امور خارجه سر در این میان
برده شده ، با جوان مرده به تفکیک
غنا یادر میان روشنفکران و مجاهدان
بسا هنده شده در خا که ایران برده شده
خی برخی عناصر رحمت تعقیب آدم -
کنان رژیم کابل را ، که به کشور ما
میخواهند انده آورند ، همیشه می
عقا بدجبا از آنها احسان کرده اند. در
دم بر گشته اند. این سیاست سناسی
جوان مرده به توسط برخی سازمانهای
ارتجاعی و بافتنی سلک افغان نیز
که مدعی رهبری جیش مسلحانه مردم
افغانستان هستند و غنا می نیزد
ایران برای بازمان خود گشوده اند ،
تعقیب می شود. در این میان ، جاسوس -
سان رژیم کابل سز در ایران و لیسو
بوده و در تعقیب انقلابیون مذهبی و
عیر مذهبی افغانستان ، که به کشور
بسا آورده اند ، هستند و در این راه از
همدستی و همکاری نزدیک سردوران
حاش حزب توده سز برخوردارند .
نهادین جاسوسان و همدستان حزب
نوده ای آنها شناسایی ترور و سز
بودی عناصر انقلابی و مشرفی افغا -
سناسی در کشور ما است ، واقعات
ساز جوان مرده به برخی محافل دولتی و
فتنی سلک در کشور ما علیه بسا هند -
گان افغانی تنها آتای به آسیاب جا -
سوان رژیم فاشیستی کابل و هم -
دستان خائستان در کشور ما میریزد و
عرصه را بر سران جان سرک کشور
همایه ما سنگ میکند .

خلق در نقاط مختلف افغانستان
همراه با نینده مسلحانه جریک هسای
دهقانی ، توده عسایر و روشنفکران
جیش برست با جنبشهای فاطمه ملت
افغانستان عرصه را از رهسوز رژیم
متزلزل کابل سنگ کرده است. جریکها
از رهسوزی کابل سر از زمینش و بدو
بفدمات قیام بهائی در کابل فراهم
میگردد. علاوه تاکنون چند مورد
تشریح نظامیان در یادگان های ارتش
رویداده و فوج فوج سزبان و افسرک
بی که خا ضرب گشته رهموطنان خود و
مزدوری برای بیگانه بیخندند
تغاریان مندا به نیروهای مسلح جریک
می بیند و با تفکیک سزبانی سسه
ایران یا پاکستان فرا میگیرد. از
اینها سزبالیسم تحا و زکار روس
برای نگهداری دست نشانده گان
آدمکش خود سزبالیسم قدرت نا جا ر شده
است گروههای مزدور از روسیه به
افغانستان گسیل دارد. برای نمونه
هم اکنون ۸۰ در مدخلها بهای سزوری
هوای رژیم کابل روس هستند .
اخیرا دستور مستقیم سکو
عوی و بدلهائی در بهره های سرسپرده
رژیم کودتا در کابل صورت گرفت و از
جمله ترهکی سز در خا خود را سسه
هندست و سزبک حرم خود حفیظ الله -
اسین داد. این سزبورتی دیلات ، که
بسا به گزارش مطبوعات بیک نتیجه
کودتای فتری شناخت داشت ، تنها
حالت احتفالی روز هوارد رفتگی رژیم
دیوسیرت کابل را افشا می سازد و نسبت
مدیوحانه ای برای محکم کاری در کادر
رهبری حزب فاشیستی "خلق" - حزب
حاکم - می سازد. علاوه ما نورعوام -
فربسانه اخیر رئیس جدید ما حاکم در
کابل ، مسی بر عفو عمومی بسا هندگان
سیاسی افغانی در کشورهای همسایه و
وعده آزادیهای دموکراتیک ، کوچک -
تشریح متزلزلی در اراده مردم دلیر
افغانستان جهت سرنگونی رژیم کابل
بوجود نی آورده و بنا بر آورد. اینس
ما نورهای عوا مفریانه ، که با داور
ما نورهای عوا مفریانه شاه مظلوم و
آمریکا در زمان اوج گیری انقلاب در
ایران است ، برای رژیم سفور کابل
و شوروی سز دردی را دوا خواهد کرد و
تنها زها در رفتگی و سراسیمگی این
رژیم را بوی دهد .
در اینجا اشاره ای به اقدامات
مات برخی محافل حاکم در کشور ما
در باره بسا هندگان افغان سناسی
لازم است. دولت ایران و همچنین
مراجع روحانیت با رها حمایت خود را
از جیش مسلحانه مردم افغانستان

بشیه در صفحه ۷